
احیاگری و نسبت آن
با ایمان دینی
احد فرامرز قراملکی


بسم الله الرحمن الرحیم

احیاگری و نسبت آن با ایمان دینی

نویسنده:

احد فرامرز قراملکی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

احیاگری و نسبت آن با ایمان دینی

مشخصات کتاب

نویسنده : احد فرامرز قراملکی

ناشر :احد فرامرز قراملکی

چکیده

بسیاری از ابهامهای بحث از احیای دین، اعم از ابهامهای مقام تصور یا مقام تصدیق، ناشی از عدم تبیین نسبت احیاگری و ایمان دینی است. احیای دین، هم در مقام دستور و هم در مقام تحقق بر ایمان دینی مسبوق است. بنابراین شناخت ایمان دینی، هویت احیای دین را مشخص می کند.علی رغم اختلافات فراوان دانشمندان مسلمان در چیستی ایمان، می توان دو تصویر عمده از ایمان دینی را نزد آنها نشان داد: تصویر رفتاری ایمان، که خوارج، جمهور معتزله، سلفیه و همه ی اهل حدیث بر آن هستند و تصویر شناختاری ایمان، که دیدگاه شیعه، مرجئه و اشاعره است. البته تصویر سومی نیز وجود دارد که از بحث ما خارج است یعنی تصویر گفتاری ایمان، آن گونه که نزد کرامیه مطرح است.احیاگری بر مبنای تصویر نخست از ایمان دینی، هویت فکری خواهد داشت و محیی دین به احیای اندیشه ی دینی همت خواهد گماشت؛ در ابعاد سه گانه آن: تهذیب اندیشه دینی از التقاط، بازسازی هندسه ی معرفتی اندیشه ی دینی و نوفهمی و بازفهمی اندیشه دینی. احیاگری بر مبنای تصویر دوم به معنای احیای زندگی آیینی است و زنده کردن حاکمیت مطلقه ی خداوند در حیات دینی مسلمین است. احیاگری امام حسین (ع) به منزله مثالی مورد اشاره قرار گرفته است. در پایان به تحلیل اجمالی ادعای احیاگری وهابیت و به تبع آن نسبت احیاگری با تکفیر پرداخته شده است.و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

اهمیت بحث از احیای دین

اهمیت بحث از احیای دین با توجه به این نکته روشن تر می شود که جامعه ی نوین ما بیش از هر امری، هویت خود را وامدار احیای دین است. حضرت امام خمینی (ره) به عنوان یک

احیاگر بزرگ با الگو قرار دادن امام حسین (ع) قیام کرد و جامعه ی نوین ما را بنیان نهاد. [۱] عبارتی از آن حضرت را در این زمینه، طلیعه سخن قرار می دهیم: «حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه دیدند که معاویه و پسرش - خداوند لعنتشان کند - اینها دارند مکتب را از بین می برند دارند وارونه اسلام را جلوه می دهند؛ اسلامی که آمده است برای اینکه انسان درست کند؛ نیامده است قدرت برای خودش درست کند، آمده است انسان درست کند. اینها، این پدر و پسر مثل این پدر و پسر (اشاره به رضاخان پهلوی و پسرش محمدرضا) اسلام را وارونه داشتند نشان می دادند. [۲] .بحث از احیای دین علی رغم پیشینه ی تاریخی آن در فرهنگ اسلامی، هنوز از ابهام فراوانی برخوردار است. وقتی در باب احیای دین به تأمل می اندیشیم، خود را با ابهامهای فراوانی در مقام تصور و نیز در مقام تعیین مصداق، روبرو می بینیم به گونه ای که دریافتن تعریفی روشن و دقیق از احیای دین و یافتن ملاک تمایز در مقام تعیین مصداق، ممتنع می نماید. تامل منطقی در این ابهامها نشان می دهد که اساسا بحث از احیای دین بدون تفسیر روشن از نسبت احیاگری با ایمان میسور نیست. احیاگران، بدون اینکه خود را به نظریه پردازی مشغول سازند و به دلایلی که ذکر خواهد شد به احیای دین پرداخته اند. اگر چه توفیق عملی در احیای دین خود به روشن شدن نسبت احیاگری با ایمان دینی وابسته است، لکن محییان، اغلب در این خصوص به موضعگیریهای شتابزده بسنده کرده و نظریه پردازی را در این باب به متألهانی سپرده اند که در خصوص احیای دین به تاملات نظری

می پردازند.

نمونه هایی از ابهامهای موجود در مسأله احیای دین

به پاره ای از ابهامها و پرسشهایی که در زمینه احیای دین وجود دارد که پاسخگویی به آنها در گرو تبیین روشمند نسبت احیاگری و ایمان دینی است، اشاره می کنیم:۱- آیا مفهوم احیای دین معنای محصلی دارد؟۲- آیا احیای دین وقوعا ممکن است؟۳- آیا مراد از دین در احیای دین، دین خاص است و یا در حیطه ی هر دینی می توان بحث از احیا را مطرح نمود؟۴- آیا مفهوم «احیا» در (احیای دین اسلام) و (احیای دین مسیحیت) معنای واحدی دارد؟۵- فرق احیاگری با اصلاحگری چیست؟ آیا محییان همان مصلحان هستند؟ اگر تغایری هست، نسبت بین احیاگران و مصلحان دینی در چیست؟۶- آیا بعثت انبیا را می توان به معنای عام کلمه، احیای دین نامید؟ آیا می توان گفت: همه ی انبیا محیی دین حنیف هستند؟۷- آیا سخن از الهیات جامع ادیان به معنای جستار از جوهر مشترك ادیان است؟ و آیا زدودن تعینهای مختلف فیه را می توان در میان نظریه های احیای دین طبقه بندی کرد؟۸- متعلق احیای دین چیست؟ آیا احیاگر با هویت اجتماعی - تاریخی دینداران سروکار دارد و یا با منزل سیاسی - اقتصادی آنها رویارویی دارد یا اساسا متعلق احیای دین حیات دینی و یا اندیشه ی دینی است؟۹- احیاگری شان کیست؟ هر انسانی یا متدینان؟ دگراندیشان یا راست کیشان؟ متألهان یا مصلحان اجتماعی؟ متکلمان یا مبلغان؟۱۰- بحث از احیای دین از مسائل چه نوع دانشی است؟ کلام یا فلسفه دین؟ جامعه شناسی یا دانش حوزه ی متألهان؟۱۱- ملاك تمایز احیای دین با جریانهای انحرافی که خود را محیی دین می انگارند، چیست؟ به عنوان مثال با چه ملاکی می توان در احیاگری نظریه ی پاکدینی کسروی، داوری همگانی داشت؟ و چگونه می توان

ادعای احیاگری وهابیت را نقد کرد؟

تقدم ایمان دینی بر احیاگری دین

در ابتدا به نظر می رسد نسبت بین احیاگری و ایمان دینی، تصورا و تصدیقا، محتاج شناخت دو طرف آن است:۱- شناخت ساختار معنایی مفهوم احیاگری و بررسی شرایط تحقق آن۲- شناخت ساختار معنایی مفهوم ایمان دینی و زمینه های طلب ایمان و پاسخ به آن مشکل درا ین است که مفهوم نخست را بدون متعلق آن (مفهوم دوم) نمی توان شناخت. علاوه بر این کسانی که درباره ی احیای دین سخن گفته اند، آن را براساس روش و شیوه ها تعریف کرده، و تحلیل ساختار درونی آن را ارائه نکرده اند. سر مطلب در این است که نسبت بین احیاگری و ایمان دینی از نوع اضافه ی مقولی نیست؛ به گونه ای که تصورا و وجودا اضافه به طرفین منوط باشد، بلکه نسبت بین عارض و معروض است. دین و ایمان دینی معروض احیا می شود. احیاگری به چند معنا مسبوق بر ایمان دینی است:۱- تقدم وجودی معروض بر عارض، طبق قاعده ی فرعیه تا ایمان دینی وجود نداشته باشد، سخن از احیای آن بی معناست.۲- تقدم انگیزه برانگیخته: احیای دین شأن متدینی است که درد دین دارد. محیی دین به انگیزه ی ایمانی و در مقام حراست، باروری و درمانگری ایمان دینی به احیای دین می پردازد.۳- تقدم معرفت بر عمل، معنای دوم نشان می دهد که عمل احیاگری مسبوق به دو امر است:یک - ایمان دینی مشترک بین احیاگر و جامعه دینی که وی به آن متعلق است.دو- تصویر خاص از ایمان دینی که بر مبنای آن آسیب پذیری و آفت زدگی ایمان دینی معنا می شود.متعلق اساسی احیاگری، ایمان دینی است و امور دیگر از قبیل اندیشه دینی، جامعه دینی و... به این

عنصر اساسی قابل برگشت است. بنابراین برای تبیین نسبت بین احیاگری و ایمان دینی، نیازمند تحلیل ایمان دینی هستیم.

گزارش اجمالی از اندیشه های دانشمندان مسلمان در چیستی ایمان دینی

بحث از ایمان دینی، علی رغم اینکه در متون کلاسیک کلامی به بحث فرعی (مسأله ای از مبحث ثواب و عقاب در مبحث معاد) تبدیل شده از مهمترین مسائل دین و در تاریخ اندیشه ی اسلامی از پرسابقه ترین آنهاست.نکته ی اول در تحلیل ایمان، این است که در خصوص ایمان دینی با عنصر واحدیروبرو نیستیم بلکه در ساختار معنایی ایمان حداقل با دو عنصر روبرو هستیم که خلط بین آنها بر ابهام بحث می افزاید.عنصر نخست، متعلق ایمان است که نزد متکلمان به عنوان اصول معروف است. عنصر دوم خود فعل ایمان است که به فرد مؤمن منسوب است و از آن در زبان فارسی به گرویدن تعبیر می شود.دانشمندان مسلمان در خصوص هر دو عنصر اختلاف نظر دارند.برخی از متکلمان در گزارش آرای گوناگون در چیستی ایمان به طبقه بندی آنها پرداخته اند. [۳] در این گفتار مختصر به نقل یکی از این طبقه بندیها بسنده می کنیم:فعل ایمان۱- فعل جوانحی صرف، الف: معرفت و علم: شیعه، ب: تصدیق (تصدیق نفسانی یا ربط القلب): اشاعره۲- فعل جوارحی صرف، الف: اقرار به زبان فقط: کرامیه، ب: جمیع طاعات (نوافل و فرایض): خوارج، قدمای معتزله و... طاعات واجب و نه نوافل و ابوعلی جبایی و فرزندش و بیشتر معتزله بصره۳- فعل جوانحی - جوارحی، الف: تصدیق به اضافه اقرار به زبان: ابوحنیفه و خواجه در تجرید، ب: تصدیق بالجنان: اقرار باللسان و عمل بالارکان: محدثین، جمعی از سلف مانند ابن مجاهد

دو تصویر عمده از ایمان دینی نزد متکلمان

آرای گوناگون در تعریف ایمان را می توان به دو تصویر عمده: تصویر رفتاری و تصویر شناختاری، ارجاع داد.می دانیم که تاریخی ترین نزاع کلامی از متکلمان، ارتباط ایمان با عمل است. این نزاع، متکلمان را غالبا به دو

دسته تقسیم کرده است: کسانی که ایمان را بر مبنای عملتعریف کرده و کسانی که عمل را در تعریف ایمان اخذ نکرده اند. تصویر دسته ی اول از ایمان را تصویر رفتاری از ایمان می نامیم که در ذیل به بررسی برخی از مهمترین اندیشه ها در این باب می پردازیم:

تصویر رفتاری از ایمان

۱-۱- خوارج، عمل را جزوی از ایمان می انگاشتند و با اخذ عمل به طاعت و ترک معاصی در مفهوم ایمان،مرتکب کبیره (فاسق) را کافر می پنداشتند. فاسق از نظر خوارج، خارج از جامعه ی دینی و داخل در جامعه ی کفر است.۲ -۱- معتزله نیز، عمل را در تعریف ایمان اخذ می کردند، البته نه با انگیزه ها و دلایل خوارج. آنها بر مبنای همین تصور از ایمان، مرتکب کبیره را از جامعه ی ایمانی خارج می دانستند. اما این به معنای کافر انگاشتن فاسق نبود بلکه برای فاسق منزلتی بین ایمان و کفر قائل بودند.۱ -۳- جمهور اهل سلف و همه ائمه حدیث (از اهل سنت) و کسانی چون شافعی و اوزاعی نیز عمل را در تعریف ایمان دینی اخذ می کردند، اما مرتکب فسق را بر خلاف خوارج و معتزله، خارج از جامعه ی ایمانی نمی دانستند بلکه وی را خالد در نار و محروم از بهشت می دانستند.یکی از انگیزه های معتزله، سلفیه و ائمه حدیث (از اهل سنت) در رفتارانگاری ایمان، برداشت آنها از وحی قرآنی است. مهمترین عنصر وحی در اسلام، حدود الهی است. مؤمن، در درجه ی اول، عبد خداست. مفهوم عبد، بیانگر مفهوم ایمان است. نسبت بین عبد و خدا، نسبت مکلف و مکلف است. به همین جهت تکلیف، زیربنایی ترین مفهوم در نظام کلامی معتزله است. در این فضای کلامی طلب ایمان، طلب طاعت و

انجام تکلیف است. علی رغم اینکه معتزله را خردگرایان نامیده اند، توجه آنها به جنبه ی رفتاری ایمان با همه ی نظام کلامی آنها سازگار است و از این جهت معتزله با کسانی که وصف خردگرایی در مقابل آنها یافته اند، یعنی اهل حدیث و سلفیه، همرأی هستند.ابن تیمیه در الایمان آورده است: «هنگامی که ایمان، بر و تقوی به گونه ای مطلق به کار می روند، امر واحدی هستند؛ بنابراین کلمه ایمان وقتی به گونه ای کامل به کار رود، به معنای خود شامل اعمال می شود. ایمان دینی در اسلام جدایی از عمل ندارد.البته عدم ایمان و جدایی از عمل به چند صورت قابل تفسیر است. تفسیر تیلیخ این است که در تیپ ایمان اسلام عنصر رئونتولوژیک بیش از عنصر انتولوژیک است و مؤمن مسلمان حضور خداوند را در اوامر و نواهی الهی تجربه می کند. تفسیر معتقدان به تفسیر رفتاری ایمان از انفکاک ناپذیری عمل از ایمان، ذاتی انگاشتن عمل نسبت به ایمان است به معنای ذاتی ایساغوجی. اشاعره و شیعه این جدایی را به معنای انفکاک ناپذیری عرض لازم دانسته اند.

تصویر شناختاری ایمان

بسیاری از متکلمان، ایمان را از جنس افعال قلبی صرف دانسته اند. در این دیدگاه بدون اینکه از ارزش عمل به طاعات کاسته شود و یا انفکاک ناپذیری عمل از ایمان نادیده گرفته شود. از اخل عمل در تعریف ایمان خودداری شده است. به تعبیر فاضل مقداد در اللوامع الالهیه اقرار به زبان کاشف از ایمان، و اعمال، ثمرات فعلی آن است. [۴] .همه شیعیان [۵] غالب اشاعره [۶] در این خصوص هم رأی هستند. آنها در تفسیر ماهیت فعل قلبی که ایمان نام دارد، اختلاف نظر دارند. تفتازانی آرای آنها را در چهار گروه طبقه بندی کرده

است:۲/۱ - معرفت و علم در مقابل جهل - تفتازانی این رأی را به شیعه نسبت می دهد. معرفت انگاری ایمان نزد بسیاری از فرق مرجئه [۷] و برخی از گذشتگان شیعه دیده می شود. در مقام نقد، عده ای آن را مغالطه «این از آن پس این همان» دانسته و عده ای آن را مغالطه ی کنه و وجه انگاشته اند.۲/۲ - تصدیق در مقابل انکار و تکذیب. تفتازانی این نظر را از آن اشاعره می داند و آن را با معنای لغوی واژه ی ایمان منطبق می انگارد. وی در توضیح از چیستی تصدیق به تحلیل بوعلی، که سخن او را در این مقام حجت می داند، ارجاع داده است. مراد از تصدیق، تصدیق به معنای منطقی است و مترادف با یقین باب برهان به کار می رود؛ شهید ثانی در حقایق الایمان بر همین رأی رفته است.۲/۳ - تسلیم. غزالی در باب ایمان چنین دیدگاهی اخذ کرده است. [۸] تفتازانی در توضیح مراد غزالی آن را دوپهلو یافته است از حیث علم انگاشتن ایمان و علم ندانستن آن [۹] .۲/۴- کلام نفس. دیدگاه امام الحرمین جوینی، استاد غزالی درباب ایمان بر این رای است.در تفسیر ایمان به منزله ی فعل قلبی آرای دیگری نیز وجود دارد که به دلیل عدم شهرت در گزارش تفتازانی و سایر متکلمان نیامده است؛ مانند تفسیر برخی از فرقه های مرجئه مانند صالحیه و شمریه که بر مبنای آن ایمان از مقوله ی احساس، محبت وعشق است.وجه مشترک همه ی آرایی که تفتازانی نقل کرده، ماهیت شناختاری ایمان است. ایمان شناخت معارف دینی و تصدیق آنهاست و کفر به معنای تکذیب باورهای دینی است. به همین دلیل، این تصویر از ایمان را تصویر شناختاری

می نامیم.علاوه بر دو تصویر عمده که ذکر شد، تصویر دیگری نیز وجود دارد که ایمان را همان اقرار به زبان و گفتن کلمه ی شهادتین می انگارد. کرامیه اساسا ایمان را جزء کلمه ی شهادتین نمی دانند. عبدالله بن سعید از متکلمان اشعری، ایمان را اقرار ناشی از معرفت و تصدیق قلبی می داند. [۱۰] همچنین است دیدگاه مرقاشی و قطلان. [۱۱] از متکلمان شیعی، خواجه نصیر توسی در یکی از دو تعریف خود از ایمان اقرار به لسان را نیز اخذ کرده و بر آن تأکید نموده است. [۱۲] علامه حلی در برخی از آثار خویش از وی پیروی کرده است. [۱۳] .

احیاگری و تصویر شناختاری ایمان

بر مبنای هر یک از دو تصویر عمده از ایمان دینی، احیاگری تعریف و بینش خاصی می یابد. بر مبنای تصویر شناختاری ایمان، وحی در درجه اول عقل آدمی را مورد خطاب قرار داده، بروی مجموعه ای از معارف ارائه می دهد. طلب ایمان از مخاطب به معنای طلب شناخت و تصدیق این معارف است. مؤمن این معارف را تصدیق، و کافر آنها را انکار و تکذیب می کند. معارف دینی در معرض آفتهای متعددی است. از جمله: نفوذ معارف غیر دینی در آنها (آفت التقاط)، مهم شدن معارف فرعی تر و کم اهمیت گشتن معارف اصلی، فهمهای ناصواب از مفاهیم دینی (آفت کج فهمی).احیاگری که مبنای وی در ایمان دینی، تصویر شناختاری است به جنبه ی نظری دیننظر دارد. احیای دین از نظر وی احیای علوم دینی و یا به طور کلی احیای اندیشه ی دینی است با روشهای مختلف پیرایش، آرایش و بازسازی اندیشه ی دینی (برحسب سه نوع آفت در اندیشه های دینی که ذکر شد). احیاگری به این معنا به تعیین متعلقات

ایمان و اصل و فرع کردن آنها منوط است؛ به همین جهت است که متکلمان سعی کرده اند معارفی را که متعلق به ایمان دینی هستند، نظام دهند. محور این نظام اصول معارف دینی است که متعلق ایمان دینی، و نبودن آنها به معنای خروج از ایمان و ورود به کفر است. معتزله در نظام معرفتی خویش پنج اصل را متعلق ایمان دینی می دانند: توحید، عدل، نبوت، امر به معروف و نهی از منکر، وعد و وعید. [۱۴] خواجه توسی اصول عقاید شیعه را بر سه قسم دانسته است: توحید و عدل، نبوت و امامت. [۱۵] غزالی در نظریه احیای علوم دین به اخلاق دینی اصالت می دهد و اقبال لاهوری بر بازسازی اندیشه ی دینی تأکید می کند.

احیاگری و تصویر رفتاری ایمان دینی

احیای دین بر مبنای تصویر رفتاری ایمان،شکل دیگری پیدا می کند. زیرا در این تصویر، ساختار ایمان، عمل به معنای انجام طاعات و ترک معاصی است. و آنچه به منزله ی دین تلقی می شود و رفتار دینی است اعم از رفتار اخلاقی و فقهی.زندگی دینی در این تصویر به معنای آیینی زیستن است. متدین کسی نیست که به معارفی تصدیق کند بلکه کسی است که طبق آیین دینی زندگی کند. حیات دین به اندیشه های دینی نیست بلکه به زندگی آیینی است. در این صورت آسیب پذیری حیات دینی به معنای آفت زدگی زندگی آیینی متدینان است و احیای دین به معنای زنده کردن زندگی آیینی است. زندگی آیینی در معرض چند آفت عمده است: فراموشی اوامر و نواهی الهی و دور افتادن متدین از زندگی آیینی، جابجایی در هندسه ی اوامر و نواهی: احکام خمسه و نیز تقسیم گناهان به کبیره و صغیره نشانگر هندسه

خاصی از مجموعه اوامر و نواهی الهی است.مهمترین آفت در ایمان دینی بر این مبنا نشاندن غیر خدا در مسند الوهیت است. چه اینکه فرد، خود را در چنین مسندی بنشاند و یا حاکم طاغوتی را خدا بداند، به تعبیر دیگر مهمترین آفت در ایمان دینی، شرک است. ایمان دینی در بینش قرآنی مهمترینضربه ی اخلاقی بر روح تکبر و خودپسندی جاهلی (حمیه الجاهلیه) است.احیاگری دین بر این مبنا، احیای عبودیت خداوند و زنده کردن زندگی آیینی است.

احیاگری امام حسین و امام خمینی

احیاگری امام خمینی (ره) را می توان احیای عبودیت خداوند و زدودن حاکمیت طاغوت و نشاندن حاکمیت الله به جای آن دانست. تکلیف گرایی امام خمینی (ره) در نهضت، خود بر همین اساس مبتنی است. نهضت امام حسین (ع) در دیدگاه امام خمینی (ره) نیز احیای دین به معنای زنده کردن حاکمیت الله و نشاندن اوامر و نواهی الهی به جای حاکمیت طاغوت است. رهایی از بردگی و رسیدن به عبودیت.«خطری که معاویه و یزید برای اسلام داشتند، این نبود که غصب خلافت کردند – این یک خطر کمتر از آن بود. خطری که اینها داشتند، این بود که اسلام را به صورت سلطنت می خواستند دربیاورند. می خواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند. به اسم اینکه ما خلیفه ی رسول الله هستیم اسلام را منقلب کنند به رژیم طاغوتی... اینها اسلام را وارونه می خواستند بکنند.این خطر را سیدالشهدا دفع کرد. قیام سیدالشهدا سلام الله علیه، قیام بر ضد سلطنت طاغوتی بود. آن سلطنت طاغوتی که اسلام را می خواست به آن رنگ درآورد که اگر توفیق پیدا می کرد، اسلام یک چیز دیگر می شد. اسلامی که آمده بود و می خواست رژیم سلطنتی را

به هم بزنـد. و یـک سـلطنت الهی در دنیـا ایجـاد کنـد، می خـواست طـاغوت را بشـکند و الله را به جـای آن بنشانـد. اینهـا می خواستند الله را بردارند و طاغوت را جایش بنشانند. همان مسائل جاهلیت و همان مسائل سابق.» [۱۶] .احیاگری امام حسین (ع) در واقع و در درجه ی نخست به بازیـابی ایمـان دینی منعطـف است. امویـان سـعی کردنـد بـا تغییر حـاکمیت الله به حکـومت طاغوتی، ایمان دینی را تحریف کنند. خلق را از طاعت خداوند به طاعت خویش انحراف دهند و این تحریف جوهره ی ایمان است چرا که جوهره ی ایمـان تسـلیم محض بر فرمانهـای الهی بودن است و یـا اعم از اینکه آن را عرض لازم بـدانیم (بر رأی شیعه) و یا ذاتی مقوم (به رأی معتزله)

وهابیت، احیاگری یا بدعتگزاری

این گفتار را با تحلیل اجمالی یکی از جریانهایی که در تاریخ حیات دینی اسلام به اسم احیای دین، اما براساس نوعی انحراف از ایمان دینی، پدیـد آمـده است به پایان می بریم:وهابیت خود را وامـدار اندیشه های سـلفی متاخر، مانند ابن تیمیه و ابن قیم، می دانـد. در این تحلیـل اجمالی نشان خواهیم داد که شـعار سـلفی در آنچه به اصـطلاح آنها احیای دین تلقی می شود، همان شعـار خوارج است و خوارج، انحرافی در ایمـان دینی را باعث شـده انـد.در مباحث پیشـین گفته شـد: خوارج در تعریف دین، عمل را به منزله رکن اساسـی اخذ کردند. آنها ارتکاب کبائر را مهمترین آسـیب در حیات دینی اسـلام انگاشتند و با شعار «ان الحکم الا لله» به پیراسـتن طاعتهای غیر خدایی برخاسـتند. مهمترین مشـکل خوارج در این مقام، تمایز مصداقی است که به آن اشاره خواهد شد. سلفیه متاخر نیز در تعریف ایمان بر

عمل تأکید کردند و هر گونه ارتکاب معصیت را شرک و کفر انگاشتند. وهابیت نیز همین راه را انتخاب کردند و آن را به منزله ی احیای دین تلقی کردند.برای تحلیل هویت احیاگری این سه فرقه (خوارج، سلفیه و وهابیت) شیوه ی آنها را مورد تأمل قرار می دهیم.شیوه ی واحد آنها در رسیدن به هدف، تکفیر است. البته تکفیر نزد متکلمانی که از ایمان تصویر شناختاری دارند نیز مطرح است لکن آنها تکفیر را در زمینه های شناختی و معرفتی به کار بسته اند. اما این سه فرقه تکفیر را در زمینه های رفتاری مطرح می کنند. تحلیل روش تکفیر نزد این سه فرقه، میزان وفاداری آنها را به ایمان دینی نشان می دهد.

احیاگری و مسأله تکفیر

مورخان اندیشه کلامی، مسأله تکفیر را غالبا به خوارج برمی گردانند و شکل گیری عمده خوارج به عنوان حزب سیاسی به جریان حکمیت ابوموسی اشعری و عمروعاص در جنگ صفین مربوط می شود. آنها در قدم نخست براساس اینکه «کل ذی ذنب و معصیه، فهو کافر» به تکفیر کسانی پرداختند که قائل به حجیت حکم بشری بودند. [۱۷] .در قدم دیگر، فرقه های افراطی خوارج، مانند ازارقه به مشرک انگاری تمام مسلمانان غیر موافق با مرام و اندیشه ی خود در همه ی جزئیات، پرداختند و مسلمانان غیر مهاجر به اردوی ازارقه را مهدور الدم و المال انگاشتند. [۱۸] در قدمهای بعدی استعراض و تفتیش عقاید به ضرب شمشیر مطرح شد. آنها به گزارش ابن حزم اندلسی به ضرب شمشیر باور مردم را مورد پرسش قرار می دادند. مجوسان، مسیحیان و یهودیان را امان بود اما مسلمان غیر معتقد به اصول خوارج کشته می شد. [۱۹] .آنها تحلیل خویشس را از ایمان دینی تنها تحلیل ممکن می دانستند و کسانی

که حاکمیت غیر الهی را بپذیرند، البته آنچه خوارج حاکمیت غیر الهی می پندارد، از ایمان دینی خارج هستند و لذا کافر و مشرک هستند و باید کشته شوند.سلفیه در تکفیر و مشرک انگاری مسلمانان همان راه خوارج را پیمودند، ابن تیمیه می نویسد: «از انواع شرک، طلب حاجت از مردگان است و یاری خواستن از آنهاست و این اساس شرک است... هر کسی در خصوص نبی و یا انسان صالحی غلو کند و در حق وی الوهیتی قائل شود به عنوان مثال بگوید: ای سید من، یاورم باش... همه ی اینها شرک و گمراهی واقعی است و باید توبه کند و الا کشته شود. [۲۰] .محمد بن عبدالوهاب نیز در کشف الشبهات و نیز در رساله ی اربع قواعد بر همین مذهب رفته است.تکفیری که باب آن به وسیله ی خوارج گشوده شد و با گشاده دستی وهابیت رواج یافت به تحریف مفهوم قرآنی ایمان دینی منجر شد. ایمان در مفهوم قرآنی در تقابل با کفر است و براساس آن جامعه ی دینی از جامعه ی غیر دینی متمایز می شود. اما براساس تکفیر، کفر و ایمان به جامعه ی ایمان نفوذ کرد و جامعه ی دینی را بر دو قسمت کرد: تمایز راست کیشان از مؤمنان ناخالص.این تصور که فسق یعنی کفر و در مقام مصداق فسق یعنی عدول از حاکمیت الله (با تفسیرهای مشخص این فرقه) موجب تباهی جامعه دینی شد؛ زیرا تصویر ایمان دینی تغییر پیدا کرد. در نمودار زیر این تغییر نشان داده می شود:اساس بدعت خوارج، سلفیه و وهابیت این است که مفهوم ایمان دینی تغییر یافت. البته این تغییر مفهومی ریشه در تصاویر رفتاری ایمان دارد. اخذ عمل در تعریف ایمان، مسلمانان مرتکب

کبائر را غیر مؤمن معرفی می کند و لابد غیر مؤمن، کافر است؛ اگر چه در جامعه ی اسلامی است.این تغییر مفهومی را با مشکل مقام مصداق ترکیب کنیم، فاجعه ی تباهی امت به دست چنین مدعیان احیا روشن می گردد. تاریخ مسأله تکفیر نشان داده است که در مقام مصداق، ملاک تمایز دقیقی در دست نیست. مسأله ابتدا در خصوص ارتکاب کبائر است. گذشته از ملاک تمایز کبائر و صغایر. تکفیر به مرتکب گناه به طور کلی سرایت می کند و در قدم دیگر جنبه ی نظری می یابد: چه گناهی بالاتر از عدم وفاداری به این تصور خاص از ایمان؟ و به این ترتیب امت یکپارچه ی اسلامی به اقلیت وفادار به حزب خوارج (آن هم در فرقه های فرعی آن) و اکثریت کافر، مشرک تقسیم می شود و سرنوشت اکثریت قتل است.تکفیر تا اندازه ای پیش رفت که برخی انبیای اولوالعزم را نیز تکفیر کردند، مانند تکفیر حضرت موسی به دست جهمیه آن هم به دلیل درخواست رؤیت که منطقا بر جسم انگاری خداوند مبتنی است و تا حدی پیش رفت که برخی از فرقه های معتزله به تکفیر العامه اعتقاد یافتند.رواج تکفیرهای دو جانبه نه تنها ایمان دینی را به باورهای حزبی تحریف می کند بلکه آتش جنگ در امت مسلمان را روشن می سازد و جز تباهی ثمره ای ندارد. پس چقدر فاصله است بین نابودی امت محمد (ص) و احیای دین او.

پاورقی

[۱] تفصیل مطالب را بنگرید به: فرامرز قراملکی، تأثیر نهضت عاشورا بر انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره) مجموعه مقالات ششمین سمینار بررسی سیره ی نظری و عملی حضرت امام خمینی، جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران.

[۲] بیانات امام در جمع روحانیون و

طلاب حوزه ی علمیه قم، ۷ / ۴ / ۵۸، صحیفه ی نور، ج ۷، ص ۲۳۰.

[۳] در خصوص طبقه بندی آرای متکلمان بنگرید به: – شـهید ثانی، حقایق الایمان، مکتبه آیه ا... نجفی مرعشـی، ۱۳۷۴، قم – قاضـی ایجی، المواقف، عالم الکتب، بیروت، بی تا، ص ۳۸۵ – تفتازانی، شرح المقاصد، عالم الکتب، بیروت، بی تا، ج ۵، ص ۱۷۶.

[۴] فاضل مقداد سیوری. اللوامع الالهیه المباحث الکلامیه، حققه و علق علیه السید محمد علی القاضی الطباطبایی، تبریز، ۱۳۹۶ ق، ص ۳۹۲ و نیز همان در ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین، تحقیق السید مهدی الرجایی، (قم، ۱۲۰۵ ق) ص ۱۴۲.

[۵] از جمله مراجعه کنید به: – ابن نوبخت، الیاقوت، تحقیق علی اکبر ضـیایی، (قم ۱۴۱۳ ق)، ص ۶۵ – خواجه طوسی، فصول النصیریه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ ش – ابن میثم بحرانی، قواعد المرام فی علم الکلام، تحقیق السید احمد الحسینی، (قم ۱۴۰۶) ص ۱۷۰ – فاضل مقـداد، اللوامع... ص ۳۹۲ و ارشـاد الطالبین ص ۶۴۲ – شـهید ثانی، حقایق الایمان – علامه مجلسی، حق الیقین، تهران، بی تا، ص ۵۳۵.

[۶] از جمله مراجعه کنیـد به: – ابوالحسن اشـعری، مقالات الاسـلامیین، تحقیق محیی الدین عبدالحمید، مصـر، ۱۳۸۹ ق، ج ۱، ص ۳۴۷ – همان، اللمع، بیروت، ۱۹۵۲ م، ص ۷۵ و ۷۶ – عبدالکریم شهرستانی، الحللو النحل، قاهره، ۱۳۸۷ ق، ج ۱، ص ۱۰۱ – تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۱۷۶ – قاضی ایجی، المواقف، ص ۳۸۵.

[۷] ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۲۲۱ – ۲۲۳.

[۸] غزالی. احیاء علوم الدین، مصر، ۱۳۵۸ ق، ج ۱ ص ۱۱۶.

[۹] تفتازانی. شرح المقاصد، ج ۵ ص ۱۸۶. [

[۱۰] بغدادی.

[۱۱] تفتازانی. شرح المقاصد، ج ۵،

ص ۱۷۶.

[۱۲] خواجه طوسی، تجرید الاعتقاد، تصحیح نجفقلی حبیبی، دانشگاه تهران، ص ۲۳.

[۱۳] علامه حلی، نهج المسترشدین (فاضل مقداد، ارشاد الطالبین).

[۱۴] قاضی عبدالجبار معتزلی. شرح اصول خمسه، قاهره، مصر، ۱۳۸۴ ق ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

[۱۵] خواجه طوسی. قواعد العقاید، ص ۱۰۵.

[۱۶] صحیفه ی نور ج ۷، ص ۳۷ و نیز ج ۱۷ ص ۵۸.

[۱۷] بغدادی، الفرق، ص ۵۵.

[۱۸] همان، ص ۶۳.

[۱۹] ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهراد و النحل، قاهره، ۱۳۱۷ / ۱۳۲۱ قسمت چهارم، ص ۱۸۹.

[۲۰] فتح المجید، ص ۶۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹